

تأثیر انتقاد

مقالات انتقادیه ارمغان از خارج و داخل در قلوب طرفداران حفظ زبان تأثیرات بسیار کرده و تقریضات فراوان مخصوص بر مقالات فاضل محترم آقای شربی و آقای مسرور و کاسمی بما رسیده . که از درج آنها بعالی چند صرف نظر و فقط بدرج يك مقاله و تقریض كه از دهلی هندوستان بقلم فاضل محترم غلام عباس آرام رسیده است اکتفا میکنیم .

آقای مدیر مجله شریفه ارمغان که در این دوره حقیقتاً خدمات شایانی بعالم ادبیات ایران بجا آورده و در اثر ترقیبات ادبی و تاریخی خیلی از قسمت های تاریک ادبیات فارسی را روشن کرده است اخیراً قدم مهمتری در راه ترقی و تکامل زبان و جلوگیری از انحطاط آن برداشته که شایسته همه گونه تقدیر و ستایش است . مقصود مقالات انتقادی خیلی سودمند است که از چندی باین طرف در مجله درج و انتشار می یابد . مخصوصاً سلسله مقالاتی که « کتاب رشک پر بها » را مورد بحث و انتقاد قرار داده است . این سلسله مقالات گذشته از اینکه نویسندگان تازه کار را باشکالات و موانعی که ممکن است در طی خط مشی خود مشاهده کنند با عباراتی ادیبانه و شیرین و دلچسب متوجه و آگاه میسازد چه از حیث اسلوب و چه از حیث موضوع هر دو قابل مطالعه عمیق و دقیق کسانی است که تازه وارد مرحله « قلم فرسایی » شده و رنجبه و تألیف کتب و رسائل را پیشه یا مشغولیات خود قرار داده اند . نویسندگان محترم مقاله فوق الذکر واقعاً خدمت بزرگی در راه احیای زبان بعمل آورده است و اگر چنین اشخاص متهوری پیدا نشوند که بی باکانه با قلمی

توانا و مؤثر آثار ادبی پاره « نویسندگان » را مورد انتقاد قرار داده . بهیچ
و لغزشهای آنها را ظاهر سازند خدا میداند ده سال بعد شیوه زبان فارسی چه
صورتی بخود خواهد گرفت .

اصلی مسلم است که نوشتن کتب و رسائل تازه و بکر مستلزم فریجه و
استعداد خدا داد و این کار از عهده هر کس خارج . ولی آنهاییکه بدبختانه از
یکطرف از طبع و فکر بکر بی بهره و از طرف دیگر بخود گرفته اند که عالم
ادبیات فارسی خدمتی و در روشن کردن افکار عامه مجاهدتی کرده نامی هم
در صفحه روزگار باقی گذارند اقلاً میتوانند اول بواسطه مطالعه آثار بزرگان
و نویسندگان معروف مادی اصول و قواعد نویسندگی را فرا گرفته سپس در طریقه
تألیف و تصنیف داخل و قلم به کاغذ آشنا کنند تا آنکه هر گاه اثر طبع آنها
بر حسب اتفاق (چنانچه غالباً هم همینطور اتفاق میافتد) دقیق ماند و ادبیات
افاده نکرد اقلاً باعتبار و شهرت آنها لطمه وارد نیورد .

با کمال تأسف در این ایام اغلب ملاحظه میشود هر کس بیک زبان خارجی
آشنا و تا اندازه هم بتکلم و تحریر فارسی قادر هست در عوض اینکه قدری
بخود زحمت داده و چنانچه گذشت با همان اندک مایه که داراست شالوده معلومات
خود را بر پایه محکمی استوار و بعد بتوسعه دایره ادبیات و روشن کردن افکار
پردازد . نخستین خیالیکه بخاطرش میگردد یا ترجمه یکی از سه چهار رمان
خارجی است که خواننده یا قدمی بالاتر از آن افسانه های کذائی که بازحمت زیاد
منتخبتری گرد آورده با پاره اصطلاحات فارسی مجموعه ترتیب و جهت تربیت اخلاق
جامعه تقدیم ملت میکند ! باید از آقاییکه با کمال شجاعت و تهور از روی عام
و معرفت کمر همت بسته و با قلم مقتدر خود از تألیفات و تصنیفات بدل وی مغز
و عاری از اصول و قواعد انشاء انتقاد و در مقابل این سیل زبان کنی که زبان

فارسی را تهدید میکند سدی استوار میندند تشکر وامتنان داشته باشیم . السنه مهمه اروپا نیز وقتی دچار همچو مخاطرات و مشکلاتی بوده و تواریخ آنها شاهد مقابل ماست . ولی می بینم از همت اشخاص دلیر و با شهامتیکه بیخوف و هراس به نویسندگانیکه شایسته مقام نویسندگی را نداشته حمله ور و نوشته های آنها را با حدت و شدت تمام تحت انتقاد در آوردند ، از مخاطرات جسته و اینک باین درجه کمال و مقام رفیع رسیده اند .

امید است نویسنده محترم مقاله انتقاد بر کتاب « رشک پر بها » و امثال ایشان که متوجه چنین مخاطره شده اند دنباله تحریر این قبیل مقالات انتقادیه را گرفته و نگذارند عروس ژیا و شیرین زبان فارسی را در لباسی زشت و ناپسند در آورده و نمایش دهند .

دهلی غلام عباس آرام

انوری

دوستی یکدلم شمی باید
 خودنگه میکنم بمادر دهر
 هیچ کس نیست زیر دور فلک
 دست گرد جهان بر آوردم
 و گرم خون دل خورد شاید
 تا بعمری یکی از این زاید
 که نه زان بهترک همی باید
 دست می ناید
 زین خسان جز جفات نگشاید

وله

مرادوستی گفت کاخر کجائی
 بشویر گفتم که این بی ستوری
 مرا گفت چون بارگیری نخواستی
 بیت عمادی جوابش گفتم
 مرادر شکستن چنان درد ناید
 چرا بیشتر نزد ما می نیائی
 به بیگانگی میکشد آشنائی
 چو از خدمت نیست روی رهائی
 چه گفتمش گفتم که ای روشنائی
 که از نا کسان خواستن مومیائی